

حقوق اداری

و داروغه و محتسب و کلا ترو نایب و عسس بودند - قاضی شهرهای بزرگ را پادشاه معین می کرد - تعیین قضات بلوک و دهستان ها با صدر الصدور بود - و غالب قضات از طبقه روحانیون بودند و مطابق احکام شرع رسیدگی میکردند .

از خصوصیات عصر صفوی اینست که هر يك از اصناف و طبقات تجار و کسبه دارای سازمانی بوده و از خود رؤسائی داشته اند که امور فنی آنها را اداره و اختلاف صنفی آنها را رسیدگی میکرد - مثل ملك التجار که در هر شهری بر صنف تجار ریاست داشت و در موقع بروز اختلاف قاضی و داور آنها بود .

با تمام نواقص و معایبی که ممکن است با اداره دولت صفوی نسبت دادبا ید تصدیق نمود که دوره آنها بهترین ادوار مجد و عظمت ایران و رفاه ایرانیان بوده است . شوالیه شاردن فرانسوی که سالهای متمادی در اواخر سلطنت صفوی در ایران اقامه داشته در آخر فصولی که راجع بحکومت این دوره در سفرنامه خود نوشته چنین میگوید :

« یعنی که راجع بطرز حکومت ایران شد با اظهار عقیده خود راجع با اداره این کشور که سالهای متمادی در آن زیست کرده ام ختم می نمایم : بنظر من قوانین و رسوم ایران مطابق عدل و انصاف و انسانیت است . آبادی عالم دولتی را می توان یافت که رعایای آن کمتر از مردم ایران گرفتار مالیات باشند ؟ آیا رفتاری عادلانه تر از رفتاری که ایرانیان با کشاورزان مینمایند نمیشود تصور کرد ؟ آیا نظامی بهتر از نظام سپاهیان ایران که خوشبخت ترین و بی نیازترین سربازان عالمند ممکن است وجود داشته باشد خلاصه قوانین و مقررات و رسوم ایران برای رعایای آن خوب و مفید و عادلانه است . و هر وقت در رأس دولت پادشاهی مقتدر و عادل و مراقب باشد که از اجحاف و تعدی مأمورین جلوگیری نماید این کشور از خوشبخت ترین و

مهمترین مقام مذهبی در دوره صفویه که عنوان رسمی و دولتی داشته مقام صدر الصدور بوده که علاوه بر رسیدگی بامور قضائی و تعیین قاضیان دهات و بلوکات امور اوقاف را نیز اداره می کرد - صدر از طرف پادشاه انتخاب می شد و معمولاً تا آخر عمر در مقام خود باقی بود - پس از او شیخ الاسلام بوده که ریاست روحانی بر سایر علماء داشته است .

علاوه بر مقامات دولتی مقامات درباری از قبیل ناظر ایشک آقاسی باشی - میرآخور - میرشکار - مهمان دار باشی - جعبه دار باشی و غیره را می توان ذکر کرد - این اشخاص در حقیقت متصدیان امور شخصی پادشاه بودند ولی در سیاست و حکومت و اداره مملکت تأثیر زیاد داشتند .

اداره امور شهرستانها و با اصطلاح آن زمان ممالک با حکام بوده است که آنها را بر حسب اهمیت آنها بیکلریکی - حکمران سلطان و خان می نامیدند - حکام ممالک از طرف پادشاه منصوب می شدند ولی در اداره قلمرو خود اختیار مطلق داشتند تمام امور دولتی از عدلیه و مالیه و حربه و نظام با آنان بود معمولاً اعمال و مأمورین حاکم مالیات و حقوق دیوانی محل را وصول کرده و حاکم آنها را بمصرف دستگاه حکومتی و اداری محل و مصارف شخصی خود میرساند و مازاد آنرا بعنوان رسومات بمركز می فرستاد - ظاهراً ولایات از این حیث بر دو قسم بوده اند ولایاتی که خاصه پادشاه بوده و مالیات و وجوه دیوانی آن مستقیماً بخزانة سلطنتی می رسید این ولایات را یکنفر وزیر یعنی رئیس مالیه اداره می کرد و حاکم نداشت - و ولایاتی که از طرف حکام اداره می شد - در زیر دست حاکم معاون و نایب الحکومه او بود که ظاهراً او را جانشین می گفتند . وزیر یعنی رئیس مالیه و وقایع نویس ولایت نیز تابع حاکم بودند .

صاحبان مقامات رسمی و اداری دیگر در شهرها قاضی

بی نیازترین ممالک عالم است چنانکه در عهد شاه عباس بزرگ بوده است .

اداره دولتهای بعد از صفویه تقلیدی از رسوم و آئین حکومت این سلسله . در انقلاباتیکه بعد از صفویان رخ داد در تغییر عمده در مناصب دولتی حاصل شد اولاً در زمان نادرشاه مقام صدرالصدور و ثانیاً از اوایل سلسله قاجاریه مقام دیوان بیکی منسوخ گردید . ولی تقسیم امور و مرجع شرعی و عرفی بهمان حالت سابق باقی ماند .

در دوره اول پادشاهان قجر مقامات مهم دولتی مقام وزیر اعظم یا صدراعظم و وزیر دربار و وزیر استیفاء بود . حکام شهرستانها را کافی السابق بیگلرگی میگفتند و امور شهرها را داروغه و کلانتر و کدخدا و غیره اداره میکردند . از اواسط این سلسله که روابط با اروپادئم و ثابت شده بود پادشاهان در صدد برآمدند وضع حکومت خود را بصورت ظاهر از این ممالک تقلید نمایند . در آخر سلطنت ناصرالدین شاه سازمان حکومتی و اداری ایران بطور خلاصه بترتیب ذیل بود :

مهمترین شخص دولت صدراعظم بود که امور وزارت داخله و وزارت استیفاء را اداره میکرد سپس وزارت جنگ و وزارت لشکر را میتوان بشمار آورد .

امور مالی سپاهیان با وزیر لشکر بود و کلیه لشکر نویسان و سررشته داران و مستوفیان لشکر تابع او محسوب می شدند . اداره مالیه کشور با وزارت دفتر استیفاء و در تحت نظر مستقیم صدراعظم بود . رؤسای مالیه شهرستانها را در این زمان نیز مثل سابق وزیر می گفتند . مهمترین اعضاء و کارکنان وزارت استیفاء مستوفیان و سررشته داران و عزب دفتران بودند .

اداره شهرستانها با حکام بود که از مرکز منصوب و اعزام می شدند . هرگاه ایالت مهمی یکی از شاهزادگان بلا فصل واگذار می شد او را صاحب اختیار آن ایالت می نامیدند حکام درجه بعد را فرمانفرما و پس از آنرا والی می گفتند (مثل فرمانفرمای فارس - والی کرمانشاهان - حکمران بروجرد)

نظر بروابط ثابت با کشورهای خارجه و تقلید از آن وزارت خانه با سم وزارت امور خارجه تأسیس شده بود که علاوه بر سفراء و نمایندگان در خارجه مأمورینی نیز بنا کارگذار در داخله کشور و شهرهای مهم داشت که باتفاق مأمورین و کانسول های خارجه باختلافات و دعاوی بین ایرانیان و اتباع خارجه رسیدگی میکردند .

وزارتخانه دیگر بنام وزارت عدلیه و تجارت وجود داشت که فاقد تأثیر و اهمیت بود سازمان دادگاههای دادگستری بترتیبی که امروز معمول است از آثار مشروطیت می باشد . در آن زمان دعاوی عدلیه کافی السابق بحکم شرع و عرف راجع می شد و وزارت عدلیه منحصر بمجالسی بود که در مرکز و در بعضی از شهرهای مهم تشکیل میگردد (مثل مجلس شخصی وزیر عدلیه) - وزارت تجارت نیز غیر از وزارت بازرگانی فعلی و کار آن فقط رسیدگی بدعاوی تجارنی و قطع و فصل آنها بود و برای آن در مرکز و شهرستانها مجالسی داشت که با شرکت چند نفر از تجار از قبیل ملک التجار و معین التجار و ناظم التجار این وظیفه را انجام میدادند . در غالب شهرستانها رسیدگی با امور قضائی و تجارنی مخصوص حکام بود .

دیگر از وزارتخانهها وزارت علوم و تلگراف و معاون و دیگر وزارت وظایف و اوقاف و دیگر وزارت پست و دیگر وزارت انطباعات و دیگر وزارت خالصه های دیوانی بود . ولی سلسله وزارتخانهها با اینجا ختم نمیشد و وزیران بی شمار دیگر با سم وزیر بقایا و وزیر نظمی و وزیر خزانه و وزیر دفتر و وزیر بنائی و وزیر بیوتات و وزیر دواب و غیره نیز وجود داشتند که غالباً فاقد رسم و عمل بودند .

نواقص و معایب حکومت این دوره را می توان بترتیب ذیل خلاصه کرد :

۱ - سازمان دولتی چه در پایتخت و چه در شهرستانها تابع قواعد و قوانین معلومی نبود حکمرانی شهرستانها گاهی باشخاص تفویض میشد که اصلاً بحوزه مأموریت خود نمیرفتند و در مرکز مشاغل و مناصب دیگر داشتند و با آنکه چند ایالت و ولایت بزرگ را بیک نفر واگذار میکردند ، چنانکه وقتی اصفهان و یزد و عراق و فارس و خوزستان و کرمانشاهان و همدان در قلمرو حکمرانی یک نفر بود .